

امکان همگرایی اقتصادی میان اعضای سازمان همکاری شانگهای

و فرصت‌های پیش روی ایران

فائزه مرادی حقیقی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

چکیده:

سازمان همکاری شانگهای با عضویت چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان، ازبکستان، هند و پاکستان در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ با عضویت ایران در این سازمان موافقت نمود. پس از گذشت یک سال از تصویب شروط عضویت ایران در سازمان شانگهای، در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲ ایران به طور رسمی به عضویت کامل این سازمان در آمده است. ساختار سازمان همکاری شانگهای با غلبه گزاره‌های امنیتی و سیاسی، دارای ابعاد اقتصادی نیز می‌باشد که در صورت درک صحیح آن، فرصت‌هایی برای کشور در حوزه‌های اقتصادی و تجاری متصور می‌شود. بر این اساس تلاش شده است تا در قالب چارچوب نظری منطقه‌گرایی، امکان تحقق همگرایی ذیل این سازمان مورد بررسی قرار گیرد؛ در طول این بررسی در پاسخ به این سوال که «آیا امکان همگرایی منطقه‌ای میان کشورهای سازمان همکاری‌های شانگهای و فراهم شدن فرصت‌هایی برای ایران ذیل این همکاری وجود دارد؟»، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات، به کمک منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و با چارچوب تئوریک منطقه‌گرایی نوین، این فرضیه مطرح شده است که «سازمان همکاری شانگهای به دلیل اولویت اهداف امنیتی-سیاسی، عدم توافق اعضای اصلی در پیگیری اهداف اقتصادی و ضعف ساختارها و نهادها برای پیگیری برنامه‌های اقتصادی، از امکانات حداقلی برای تحقق همگرایی اقتصادی میان اعضا برخوردار است؛ اما در صورت رفع موانع تحریمی پیش روی ایران، فرصت‌هایی را در راستای اتحاد سیاسی و فراهم نمودن زمینه‌های برخورداری‌های اقتصادی برای کشور را فراهم خواهد کرد.»

واژگان اصلی: ایران، سازمان همکاری شانگهای، صادرات، واردات، همگرایی اقتصادی.

مقدمه

سازمان همکاری شانگهای در سال ۱۹۹۶ از سوی پنج کشور هم مرز چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان با یک گردهمایی در شهر شانگهای با عنوان اولیه «شانگهای ۵» تشکیل شد؛ هدف اولیه این سازمان را می‌توان در قالب حل اختلاف‌های مرزی و منطقه‌ای، تقویت اعتماد متقابل و خلع سلاح در مرزهای خود و ایجاد کمربند حسن هم‌جواری مرزی ارزیابی نمود (بزرگی و حسینی ۱۳۸۹)؛ هر چند که می‌توان در چشم‌اندازی وسیع‌تر ایجاد موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه را یکی از اهداف اساسی این سازمان در نظر گرفت. در پنجمین اجلاس سران «شانگهای ۵» در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای چین، اعضا درخواست کشور غیر هم مرز با خود یعنی ازبکستان برای عضویت دائم در سازمان را پذیرفتند و به دنبال آن با صدور بیانیه‌ای تشکیل «سازمان همکاری شانگهای» را اعلام کردند. این سازمان در سال ۲۰۰۴ مغولستان و یک سال بعد ایران، هند و پاکستان و سپس افغانستان و بلاروس را به عنوان عضو ناظر پذیرفت. در سال ۲۰۱۵ با عضویت هندوستان و پاکستان موافقت نمود و این دو کشور در کوتاه‌تر از دو سال همه شرایط برای عضویت کامل این سازمان را اجرا کردند و عضویشان در ژوئیه ۲۰۱۷ طی اجلاس رهبران کشورهای عضو این سازمان در آستانه، پایتخت قزاقستان، به تصویب رسید. در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۱ و در پایان اجلاس بیست و یکم که در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان برگزار شد نیز ایران با رای تمام اعضا به عضویت اصلی این سازمان درآمد. پس از گذشت یک سال از تصویب مشروط عضویت ایران در سازمان شانگهای، در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ ایران رسماً به عضویت کامل این سازمان در آمده است. بر اساس اعلام گمرک کشور، میزان تجارت ایران با مجموعه کشورهای عضو پیمان شانگهای در سال ۹۹ به ۵۵ میلیون تن کالا به ارزش ۲۸ میلیارد دلار بوده است که سهم صادرات ۴۶ میلیون تن به ارزش ۱۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و سهم واردات ۹ میلیون تن به ارزش ۱۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. بیشترین حجم تجارت ایران در این سال با چین به ارزش ۱۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار است و هند با سه میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار، افغانستان با ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار، روسیه با یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و پاکستان با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

ایران از سال ۲۰۰۵ عضو ناظر در این سازمان بوده است و با وجود تمایل به عضویت کامل، با این خواسته‌ی ایران به دلیل برخی موانع حقوقی و سیاسی، موافقت نمی‌شد. از یک سو به واسطه بندی در اساسنامه این سازمان، کشوری که عضو دائم سازمان همکاری شانگهای می‌شود، نباید

تحت هیچ تحریمی از سوی شورای امنیت قرار داشته باشد؛ این مانع حقوقی با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در سال ۱۳۹۴ و تعلیق قطعنامه‌های تحریمی قبلی در شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران، بی اثر شد. از سوی دیگر نیز برخی موانع سیاسی، محدودیت‌هایی را برای عضویت ایران در این سازمان مهیا می‌نمود. در واقع همکاری‌های فزاینده چین با آمریکا در ابعاد اقتصادی و تجاری، امکان ایجاد روابط ساختاری با ایران تحت تحریم از چین می‌گرفت. در حال حاضر با مرتفع شدن موانع حقوقی و سیاسی، عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای محقق شده است و می‌توان ابعاد اقتصادی و تجاری این عضویت را مورد توجه قرار داد. البته می‌بایست این نکته را به طور دائم مورد توجه قرار داد که سازمان همکاری شانگهای در اصل یک سازمان ژئوپلیتیکی و امنیتی با زیرساخت‌های محدود برای پیگیری یکپارچگی اقتصادی است؛ بر این مبنا منافع اقتصادی مستقیم از سازمان همکاری شانگهای حاشیه‌ای خواهد بود.

بر این اساس تلاش شده است تا در قالب چارچوب نظری منطقه‌گرایی، امکان تحقق همگرایی ذیل این سازمان مورد بررسی قرار گیرد؛ طی این بررسی در پاسخ به این سوال که «آیا امکان همگرایی منطقه‌ای میان کشورهای سازمان همکاری‌های شانگهای و فراهم شدن فرصت‌هایی برای ایران ذیل این همکاری وجود دارد؟»، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات، به کمک منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و ذیل چارچوب تئوریک منطقه‌گرایی نوین، این فرضیه مطرح شده است که «سازمان همکاری شانگهای به دلیل اولویت اهداف امنیتی-سیاسی، عدم توافق اعضای اصلی در پیگیری اهداف اقتصادی و ضعف ساختارها و نهادها برای پیگیری برنامه‌های اقتصادی، از امکانات حداقلی برای تحقق همگرایی اقتصادی میان اعضا برخوردار است، اما در صورت رفع موانع تحریمی پیش روی ایران، فرصت‌هایی را در راستای اتحاد سیاسی و فراهم نمودن زمینه‌های برخورداری‌های اقتصادی برای کشور را فراهم خواهد کرد».

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه سازمان همکاری شانگهای و فرصت‌های پیش روی ایران در همکاری با این نهاد منطقه‌ای را می‌توان در چهار بخش مورد توجه قرار داد:

- ۱- مطالعاتی که تمرکز اصلی خود را بر مفهوم منطقه‌گرایی قرار داده‌اند و با تاکید بر ویژگی‌های این رویکرد در مرادوات، بر دستاوردها و نقاط مبهم این رویه برای اقتصاد و تجارت کشورها تاکید

دارند. کمالی اردکانی (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های تعامل منطقه‌گرایی و چند جانبه‌گرایی»، به این نتیجه رسیده است که پیوستن به موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای لزوماً منجر به رشد اقتصادی و افزایش سطح رفاه نخواهند شد. بریستو^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) نیز در مقاله «منطقه‌گرایی نوین» به بررسی انتقادات اصلی علیه این چارچوب مفهومی می‌پردازند و با تأمل در اصول اصلی منطقه‌گرایی جدید، یعنی اهمیت روابط بین دولتی در سطح منطقه‌ای و نقش این روابط در توسعه اقتصادی و تکامل ساختارهای نهادی، رویکردهای نظری معاصر برای توسعه منطقه‌ای را ارزیابی می‌کنند. موسوی (۱۳۸۸) نیز در مقاله خود با عنوان «جهانی شدن و منطقه‌گرایی: انفکاک یا همگرایی؟» بر این نکته تأکید دارد که منطقه‌گرایی نوین منجر به تسهیل روند جهانی شدن خواهد شد.

۲- گروه دوم مطالعاتی هستند که بر ارتباط میان مفهوم منطقه‌گرایی و کیفیت روابط ایران با سایر کشورها پرداخته‌اند؛ برزگر (۱۳۸۸) در مقاله «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران» به بررسی اهمیت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران در خاورمیانه پرداخته است. عبدالله (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی و منطقه‌گرایی نوین در خاورمیانه» به بررسی نظرات منطقه‌گرایی نوین و معرفی دیدگاه‌ها و چالش‌های منطقه‌گرایی در سیاست‌های راهبردی ایران در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس پرداخته است. هرزینگ^۲ (۲۰۰۸) نیز در مقاله «منطقه‌گرایی، ایران و آسیای مرکزی» معتقد است که انگیزه ایران از پیگیری منطقه‌گرایی، پیش از هر چیز از ملاحظات ژئوپلیتیکی - نیاز به مقابله با تلاش‌های دولت آمریکا برای منزوی کردن ایران - و پویایی داخلی ناشی می‌شود.

۳- دسته سوم مطالعاتی هستند که به شکل خاص بر ارزیابی وضعیت سازمان همکاری‌های شانگهای تمرکز کرده‌اند و لزوماً نوع ارتباط ایران با این سازمان را مورد مطالعه قرار نداده‌اند؛ گودرزی (۱۳۹۳) در مقاله «جهانی شدن و منطقه‌گرایی: تعامل یا تقابل (مطالعه موردی سازمان همکاری شانگهای)» معتقد است با توجه به این که در اولین نشست این سازمان همه اعضا اعلام کردند که هدف از تأسیس این سازمان تضمین امنیت در منطقه آسیای مرکزی، حمایت از روند حرکت به سمت نظام چند قطبی و مردم‌سالار کردن نظام بین‌الملل است، سازمان

¹ Gillian Bristow

² Edmund Herzig

شانگهای به عنوان یکی از نموده‌های «منطقه‌گرایی نوین» موازی با امر جهانی شدن رو به پیشرفت است. شیرازی و کریمی (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های چین و روسیه در ترتیبات امنیت منطقه‌ای سازمان همکاری شانگهای» معتقدند که روابط روسیه و چین با آمریکا و به ویژه تاثیر این روابط بر ترتیبات امنیتی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز یکی از موضوعات مهم قابل توجه و از جمله دلایل مهم شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای می‌باشد. در سطح بین‌المللی مقابله با گسترش نفوذ ایالات متحده آمریکا و سازمان ناتو که می‌تواند به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر امنیت چین و روسیه در منطقه آسیای مرکزی تاثیرگذار باشند، مهم‌ترین انگیزه دو کشور برای همکاری‌های نزدیک در سازمان همکاری شانگهای محسوب می‌شود. بزرگی و حسینی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم انداز آینده» قابلیت‌های این سازمان را از جنبه‌های مختلف از جمله اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری، انرژی و قدرت نظامی مورد بررسی قرار می‌دهند و بر مبنای بررسی اطلاعات آماری مربوط به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، معتقدند که اعضای این سازمان قابلیت آن را دارند که در دهه‌های آینده به یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی در جهان تبدیل شوند.

۴- گروه آخر نیز مطالعاتی هستند که بر ارتباط میان ایران با سازمان همکاری شانگهای تمرکز دارند؛ طباطبائی و همکارانش (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی دورنمای همگرایی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای: مطالعه موردی چین» معتقدند که تحریم‌های پسابرجام سبب ارتقای زمینه‌های همگرایی میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای شده و توسعه روابط در دور زدن تحریم‌های پسابرجام به خصوص در صنایع گردشگری، داروسازی و معدن تأثیرگذار خواهد بود و در عین حال بی‌اعتمادی جمهوری اسلامی ایران نسبت به غرب، روابط نامطلوب گذشته و وجود منافع استراتژیک میان ایران و اعضای اصلی شانگهای از جمله مهم‌ترین دلایل گرایش جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای است. این تحلیل بیشتر بر اثرات تحریم بر روند همکاری ایران و چین تمرکز دارد. یزدان پناه و عزتی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه استراتژیک ایران در اتحادیه شانگهای» شرایطی را به تصویر کشیده‌اند که طی آن ویژگی‌های استراتژیک، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران در قالب موقعیت ممتازی جهت عضویت در سازمان

همکاری شانگهای مورد توجه قرار دارد. رسولی نژاد و صبری (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی راهبرد چند جانبه‌گرایی تجارت خارجی در ایران: مطالعه عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای» معتقدند گزینه پیوستن به اتحادیه اقتصادی اوراسیا با توجه به گروه و معیارهای انتخاب شده، اولویت بهتری نسبت به پیوستن به سازمان همکاری شانگهای دارد. طبق این پژوهش ایران می‌تواند با عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا در زمینه انتقال انرژی و سوآپ نفتی همکاری گسترده‌ای با این اتحادیه در جهت کاهش تحریم های اقتصادی علیه خود داشته باشد. در واقع در این مقاله بر فرصت‌ها و موانع توسعه همکاری با سازمان همکاری شانگهای تمرکز نشده است. مردیها و همکارانش (۱۳۹۹) در مقاله «ارزشیابی اثرات اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای: کاربردی از مدل شبیه‌سازی جهانی» اثرات رفاهی و میزان خلق تجارت ناشی از آزادسازی تعرفه‌ای در نرخ‌های متنوعی را ذیل تجارت با کشورهای سازمان همکاری شانگهای مورد توجه قرار داده‌اند و چشم‌اندازی از موانع اقتصادی و نگاهی کلان نسبت به همکاری ارائه نکرده‌اند. برومر^۱ (۲۰۰۷) در مقاله خود با عنوان «سازمان همکاری شانگهای و ایران: اتحادیه‌ای قدرتمند و کامل» به سازمان همکاری شانگهای و موقعیت ایران در همکاری با این سازمان از چشم‌اندازی سیاسی-امنیتی پرداخته است و معتقد است همکاری ایران با این سازمان ذیل تنش با غرب و تمایل به شرق قابل تفسیر خواهد بود و این نزدیکی منجر به قدرت یافتن این سازمان خواهد شد. اسوانزتروم و نورلینگ (۲۰۰۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سازمان همکاری شانگهای، تجارت و نقش ایران، هند و پاکستان» به این مسئله پرداخته‌اند که سازمان همکاری شانگهای در همکاری با ایران، هند و پاکستان، فراتر از اهداف امنیتی در ایجاد موازنه در مقابل آمریکا و ناتو، در حوزه‌های زیرساختی، انرژی و تجارت چه رویه‌ای را دنبال می‌کند. این پژوهش اگر چه فراتر از رویکردهای سیاسی موجود بر روندهای اقتصادی تاکید دارد، اما تمرکز خود را نه بر واکاوی فرصت‌های اقتصادی این سازمان برای ایران، بلکه بر تحلیل وضعیت اقتصادی حاکم بر سازمان همکاری شانگهای و فرصتی که عضویت ایران برای این سازمان محقق خواهد کرد گذاشته است. در عین حال اقتضائات جدید ژئوپلیتیکی در حوزه‌های مرتبط با انرژی، حمل و نقل و عضویت‌های اخیر در این سازمان نیز با توجه به

¹ Matthew Brummer

شرایط موجود نیازمند تحلیلی به روزتر می‌باشد.

اگر چه گروه چهارم مطالعات را می‌توان نزدیک به چارچوب مطالعاتی این پژوهش ارزیابی نمود اما آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده است، تمرکز هم زمان بر مفاهیم سیاسی و اقتصادی- تجاری است و به نظر می‌رسد که ترکیب این دو رویکرد در تحلیل وضعیت ارتباط ایران با این سازمان و چشم‌انداز مطلوب پیش روی کشور، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است و این خلاء پژوهشی ضرورت ورود به این مطالعه را فراهم آورده است. در عین حال پس از موافقت با عضویت ایران در این سازمان نیز این ضرورت ایجاد شده است تا با رویکردی جدید نسبت به گذشته که بیشتر مقدمات و ملزومات عضویت ایران در این سازمان مورد توجه قرار داشت، وضعیت فعلی ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.

۳. چارچوب تئوریک

در حوزه تحقق همگرایی میان کشورها و زمینه‌های وقوع آن، پژوهش‌گرانی با دیدگاه‌های متفاوت، رویکردهای متنوعی را ارائه کرده‌اند؛ در این میان، واقع‌گرایان همگرایی را در پاسخ به تهدیدات سیستمی و در راستای موازنه‌سازی توصیف می‌کنند؛ اما لیبرال‌ها معتقدند که اتحادها با هدف افزایش کارایی دولت‌ها صورت می‌گیرد. این رویکرد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نظریه‌های همگرایی را در قالب نظریه‌های کارکردگرایی، نوکارکردگرایی و ارتباطات مطرح نمود. نظریه‌پردازانی مانند دیوید میتزانی (کارکردگرایی)، ارنست هاس و جوزف نای (نوکارکردگرایی)، و کارل دویچ (ارتباطات) با استفاده از مبانی فرانظری رفتارگرایی و با استفاده از روش‌شناسی علمی تجربی، سعی کردند طرح‌هایی را برای همگرایی میان دولت‌های اروپایی عرضه کنند.

نظریه نوکارکردگرایی به تبیین این مسئله می‌پردازد که اقدام داوطلبانه کشورهای مستقل در نظام بین‌الملل در تصمیم‌گیری مشترک و حل مشکلات به صورت دسته جمعی در کنار مبادلات میان دولتی در سطوح اقتصادی و اجتماعی می‌تواند موجبات همگرایی در سطوحی عالی‌تر را نیز مهیا نماید. نظریه‌پردازان نوکارکردگرا معتقدند که فرآیند همگرایی منطقه‌ای باعث دگرگونی نظام منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. فیلیپ اشمیتز^۱، نظریه‌پرداز نوکارکردگرا معتقد است که هدف

¹ Philippe Schmitter

نوکارکردگرایی ایجاد ارتباط میان خصوصیات ملی و منطقه‌ای در نظام بین‌الملل می‌باشد. ارنست هاس نیز در این زمینه معتقد است که هر اقدامی برای همکاری در یک بخش به بخش‌های دیگر سرریز می‌کند (دهشیری و رضائی جعفری، ۱۳۹۳).

بر این مبنا می‌توان منطقه‌گرایی را یکی از شاخه‌های عملیاتی شده کارکردگرایی ذیل اندیشه‌های لیبرال دانست. موافقت‌نامه‌های همگرایی منطقه‌ای در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بسیار حمایت‌گرایانه و دخالت‌گرا بودند و با شکست رو به رو شدند. این طرح‌ها به موج اول منطقه‌گرایی معروف شدند. از اواخر دهه ۱۹۷۰ سیاست‌های اقتصادی و تجاری برون‌گرایانه در دستور کار سیاستگذاران اقتصادی قرار گرفت. در دهه ۱۹۸۰ تغییر نگرشی در خصوص تجارت بین‌الملل و رقابت به وجود آمد و موج دوم منطقه‌گرایی آغاز شد. اتحادیه اروپا نقش اساسی در جراحی مجدد این موافقت‌نامه‌ها از راه مذاکره با کشورهای اروپای شرقی، مرکزی، کشورهای جنوب مدیترانه و افزایش اعضا برای تشکیل منطقه تجارت آزاد داشت. بر اساس گزارش سازمان جهانی تجارت، روند منطقه‌گرایی بعد از پایان جنگ سرد شدت بیشتری پیدا کرد. اما این منطقه‌گرایی با منطقه‌گرایی بعد از جنگ جهانی دوم تفاوت اصولی دارد. جریان‌های یکپارچگی اقتصادی جهانی به گونه‌ای است که کشورها احساس می‌کنند برای ورود به اقتصاد جهانی، ورود به پیمان‌های منطقه‌ای می‌تواند تسهیل‌کننده باشد. به این ترتیب منطقه‌گرایی هم اکنون یکی از شاخص‌های مهم اقتصاد جهانی است که سیطره خود را در سطح ملی تحمیل کرده است. ویژگی‌های منطقه‌گرایی نوین شامل موارد زیر می‌شود:

- آزادسازی تجارت چند جانبه تولیدات کشورهای صنعتی بسیار کامل‌تر از دوره‌های گذشته؛
 - کنار گذاشته شدن سیاست‌های ضد بازار و خوداتکایی در کشورهای در حال توسعه و پیوستن فعالانه به نظام تجاری چند جانبه؛
 - اهمیت و سرعت بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی؛
 - پیوند یک یا چند کشور در حال توسعه با یک کشور توسعه یافته؛
 - همگرایی عمیق میان اعضا در ترتیبات منطقه‌ای جدید؛
 - شکل‌گیری موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای میان کشورهایی با سطوح بسیار متنوع تولید ناخالص سرانه ملی و بسیار متفاوت از نظر اقتصادی (کولایی و سازمند، ۱۳۸۹)
- با توجه به این که منطقه‌گرایی روندی تک بعدی نیست، بلکه ابعاد توسعه‌مدار (معطوف به تقویت نقش تکمیل‌کنندگی و ارتقای ظرفیت اقتصاد منطقه‌ای)، تجاری (ناظر بر استقرار ترتیبات

تجاری منطقه‌ای)، پولی (بر اساس تلاش منطقه‌ای برای برقراری ثبات در بازارهای مالی در سطح منطقه‌ای) و امنیتی (برحسب تلاش منطقه‌ای برای دگرگون ساختن یک مجموعه منطقه‌ای منازعه آفرین در جهت ایجاد جامعه امن) را در خود دارد که تاثیرات متقابلی نیز بر یکدیگر می‌نهند، می‌توان از این چارچوب تئوریک برای توصیف وضعیت سازمان همکاری‌های شانگهای و فرصت‌های اقتصادی و تجاری پیش روی ایران به عنوان ترتیبات سیاسی-امنیتی این منطقه استفاده کرد. در عین حال منطقه‌گرایی اغلب از طریق همکاری کنش‌گران متنوعی اعم از دولتی و غیر دولتی محقق می‌شود؛ مهم‌ترین بازیگران در منطقه‌گرایی نوین شامل دولت‌های ملی، سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای بین دولتی، کنش‌گران غیر دولتی از قبیل نیروهای بازار و خود منطقه می‌باشند. از این نظر نیز سازمان همکاری‌های شانگهای را می‌توان با این چهار گروه اصلی بازیگران در قالب منطقه‌گرایی نوین مورد بررسی قرار داد (نژاد زندیه و طالبی آرانی، ۱۳۹۹).

با توجه به اهمیت ابعاد امنیتی در سازمان همکاری‌های شانگهای، می‌بایست این نکته را نیز مد نظر قرار داد که در دوران معاصر، منطقه‌گرایی در ابعاد مختلف اهمیت پیدا می‌کند و تنها بر کارکردگرایی اقتصادی متمرکز نیست. در واقع علاوه بر این که منطقه‌گرایی به عنوان عرصه کاهش تعارضات دو روند متضاد جهانی شدن و بومی‌سازی عمل می‌کند، در قالب یک اهرم یا مکانیزم کنترلی نیز به موازات گسترش و تعمیق ساختار امنیتی چند بعدی جهانی کارکرد دارد؛ به این معنا که برای حل یک درگیری و تضمین ثبات، به ساختارهای منطقه‌ای بیش از ترتیبات بین دولتی و یا جهانی نیاز است. منطقه‌گرایی به عنوان سطح عملیاتی استراتژی‌های تجدیدنظرطلب، مشروعیت لازم را برای اقدامات اصلاح‌طلبانه بازیگران جهانی فراهم می‌کند. در این چارچوب، منطقه‌گرایی به بخشی جدایی ناپذیر از مفاهیم و عملکردهای امنیتی امروز تبدیل شده است (Baysoy, 2020). بنابراین در تحلیل وضعیت سازمان همکاری‌های شانگهای و درک بهتر ابعاد امنیتی آن، بهره‌گیری از چارچوب تحلیلی منطقه‌گرایی جدید به دلیل تمرکز هم زمان کارکردهای اقتصادی و امنیتی، می‌تواند زمینه درک همه‌جانبه این ساختار منطقه‌ای را فراهم کند.

۴. نهادهای اقتصادی در سازمان همکاری‌های شانگهای

نهادهای منطقه‌ای با رویکرد منطقه‌گرایی جدید در تلاش هستند تا به شکل هم زمان کارکردهای اقتصادی و امنیتی دولت‌های زیرمجموعه خود را بهبود بخشند؛ بر این مبنا کشورها در

قالب نهاد منطقه‌ای سازمان همکاری شانگهای تمایل دارند علاوه بر همکاری برای مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و جدایی طلبی در منطقه، تلاش بلند مدتی را برای ایجاد یکپارچگی اقتصادی در کل قاره آسیا آغاز نمایند؛ در واقع یکی از اهداف اساس منطقه‌گرایی نوین تحقق نوعی همگرایی اقتصادی با هدف افزایش کارایی دولت‌ها می‌باشد. چشم انداز ژئواکونومیک این سازمان، ایجاد شبکه گسترده جدیدی از جاده‌ها، راه آهن و بنادر است که ساحل شرقی چین را به بازارهای آسیای مرکزی، روسیه و اروپا متصل می‌کند و در عین حال آسیای جنوبی و غرب آسیا (خاور میانه) را نیز در بر می‌گیرد. بخش وسیعی از این چشم انداز به کمک ابتکار بلندپروازانه کمربند و راه چین، با سرمایه‌گذاری حدود ۱ تریلیون دلار در پروژه‌های متعدد برای ساخت زیرساخت‌ها، جاده‌ها، راه آهن و بنادر در سراسر آسیا، پیگیری می‌شود (Rowden 2018).

هدف اقتصادی سازمان همکاری شانگهای تشکیل یک بازار مشترک و یک منطقه آزاد تجاری به منظور افزایش فرصت‌های تجاری و بازرگانی برای کشورهای منطقه است. چارچوب قانونی سازمان همکاری شانگهای شامل بیش از ۱۰۰ سند در زمینه همکاری‌های اقتصادی است که تمام زمینه‌های تجارت، فعالیت‌های بانکی، تولید، پروژه‌های مالی و سرمایه‌گذاری، کشاورزی، حمل و نقل و زیرساخت‌ها، مخابرات و گردشگری را در بر می‌گیرد. پتانسیل اقتصادی سازمان همکاری شانگهای با گنجاندن پاکستان و هند که دو کشور بزرگ با حجم زیادی از منابع معدنی و بازارهای بزرگ هستند، بیشتر افزایش یافته است. بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول، تا سال ۲۰۲۳، پتانسیل اقتصادی منطقه سازمان همکاری شانگهای از اقتصادهای گروه هفت پیشی خواهد گرفت.

از سال ۲۰۰۳، شورای سران سازمان همکاری شانگهای در چین، برنامه همکاری تجاری و اقتصادی چند جانبه را مورد توجه قرار دادند و در پی آن، کمیته‌های کاری مشترکی برای رسیدگی به موضوعاتی نظیر تجارت الکترونیک، گمرک، رویه‌های ارزیابی انطباق فنی، ترویج سرمایه‌گذاری، گسترش پتانسیل ترانزیت، توسعه فناوری‌های مخابراتی و همکاری در حوزه انرژی ایجاد شد. سازمان در سال ۲۰۰۴ یک برنامه اقدامی برای اجرای اهداف در ده زمینه همکاری شامل تجارت و سرمایه‌گذاری، گمرک، اعمال مقررات، استانداردها و رویه‌های ارزیابی انطباق، حوزه‌های مالی و مالیاتی، حمل و نقل، بخش انرژی، کشاورزی، علم و فناوری‌های پیشرفته، فناوری اطلاعات و مخابرات و در زمینه حفاظت از محیط زیست راه‌اندازی نمود و سپس در سال ۲۰۰۵ نقطه عطف دیگری در چارچوب سازمان همکاری شانگهای به دست آمد که عبارت بود از توافق

در زمینه آماده‌سازی پروژه‌های آزمایشی در زمینه برق آبی، توسعه مسیرهای حمل و نقل، ایجاد ارتباطات فیبر نوری و همکاری در زمینه‌های علمی و علمی. باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد که از کشورهای عضو و ناظر تشکیل شده است. توافقنامه تسهیل حمل و نقل جاده ای بین المللی نیز در سال ۲۰۱۴ یک دستاورد بزرگ بود که رویه‌های عملی برای حمل و نقل کالا از طریق پنج کریدور سبز فرا قاره‌ای را ایجاد می‌کرد. این سازمان هم چنین به طور فعال در حال توسعه صنعت گردشگری است و برنامه توسعه همکاری گردشگری سازمان همکاری شانگهای در ژوئن ۲۰۱۶ در اجلاس سران سازمان در تاشکند به تصویب رسید (Akram 2020).

همان‌طور که در چارچوب تئوریک این پژوهش ذکر شد، علاوه بر دولت‌ها، نهادهای منطقه‌ای نیز از کنش‌گران اصلی در مسیر تحقق اهداف سازمان‌های منطقه‌محور محسوب می‌شوند؛ بر این مبنا در راستای تحقق اهداف اقتصادی سازمان همکاری شانگهای، پیگیری نوعی یکپارچگی تجاری و مالی در قالب نهادهای ذیل مورد توجه قرار دارد:

۱-۴. شورای بازرگانی سازمان همکاری شانگهای

شورای بازرگانی سازمان همکاری شانگهای^۱ در سال ۲۰۰۶ به منظور ارتقای همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو و هم چنین ایجاد گفتگوی جامع بین محافل تجاری سازمان در مورد مسائل تجاری و سرمایه‌گذاری، بر اساس تصمیم شورای سران کشورهای سازمان همکاری شانگهای تأسیس شد. شورای بازرگانی سازمان همکاری شانگهای یک نهاد غیردولتی است که وظایف مشاوره‌ای را ارائه می‌دهد و بررسی‌های کارشناسی همکاری‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و تعامل تجاری بالقوه در سازمان همکاری شانگهای را به انجام می‌رساند.

ماموریت اصلی شورای بازرگانی سازمان همکاری شانگهای سازماندهی مشاوره‌های گسترده و ارائه توصیه‌ها و پیشنهادات مفصل به رهبران سازمان در مورد بهبود شرایط همکاری اقتصادی است. مطابق با اساسنامه شورای تجاری سازمان همکاری شانگهای اهداف کلیدی آن عبارتند از:

- تسهیل همکاری موثر منطقه‌ای بین کشورهای عضو در زمینه‌های مورد علاقه محافل تجاری سازمان همکاری شانگهای؛
- ایجاد همکاری مستقیم بین جوامع تجاری سازمان همکاری شانگهای؛

¹ The Business Council of the Shanghai Cooperation Organization (SCO)

- سازماندهی و برگزاری نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها و سایر رویدادها؛ و
- همکاری و تقویت روابط با مقامات و انجمن‌های تجاری از سازمان همکاری شانگهای و هم چنین سایر کشورها (Russian Union of Industrialists and Entrepreneurs 2021).

۲-۴. کنسرسیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای

کنسرسیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای^۱ توسط شورای سران سازمان در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ به منظور تأمین مالی و خدمات بانکی برای پروژه‌های سرمایه گذاری تحت حمایت دولت-های کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای تاسیس شد. حوزه‌های اولویت‌دار همکاری در کنسرسیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای عبارتند از: تأمین بودجه برای پروژه‌هایی که بر زیرساخت‌ها، صنایع پایه، صنایع با فناوری پیشرفته، بخش‌های صادرات محور و پروژه‌های اجتماعی تمرکز دارند، صدور و اعطای وام بر اساس رویه‌های عمومی پذیرفته شده بانکی بین المللی، سازماندهی تأمین مالی پیش از صادرات برای تحریک همکاری‌های تجاری و اقتصادی بین کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و سایر حوزه‌های مورد علاقه مشترک (Shanghai Cooperation Organization Secretariat 2021).

هفدهمین نشست شورای کنسرسیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای در سپتامبر ۲۰۲۱، وظایف کلیدی در زمینه‌های همکاری مالی، ارتباطات، هماهنگی و شفاف سازی را طی پنج سال آینده مشخص نمود. در این میان حمایت از پروژه‌های توسعه سبز و پایدار، محرک‌های رشد برای ارتقای ساختارهای انرژی و صنعتی منطقه‌ای، توانمندسازی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، گذار به سمت انرژی سازگار با محیط زیست، و کم کربن، کاربرد نسل جدیدی از فناوری اطلاعات، از جمله داده‌های بزرگ و هوش مصنوعی، تحول و ارتقای صنایع تولید سستی از طریق نوآوری‌های تکنولوژیکی و ادغام اقتصاد و مالی منطقه مورد توجه قرار دارند. این کنسرسیوم در حال حاضر از هشت عضو از جمله بانک توسعه چین تشکیل شده است. تا پایان ژوئن ۲۰۲۱، بانک توسعه چین و بانک‌های شریک روی ۵۹ پروژه همکاری، در قالب وام‌هایی به ارزش ۱۰/۷ میلیارد دلار و ۱۸/۱ میلیارد یوان کار کرده است (Xueqing 2021).

۳-۴. باشگاه انرژی

سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۷، متشکل از سه کشور بزرگ تولیدکننده و

¹ SCO Interbank Consortium (SCO IBC)

صادرکننده انرژی (روسیه، قزاقستان و ازبکستان) و سه کشور مصرف‌کننده و واردکننده انرژی (چین، قرقیزستان و تاجیکستان)، باشگاه انرژی خود را راه اندازی کرد (*Raith and Weldon* 2008). انگیزه رشد همکاری در حوزه امنیت انرژی در سازمان همکاری شانگهای، اول از همه علاقه کشورهای تولیدکننده به تامین امنیت مسیرهای عرضه و بازارهای صادراتی و علاقه مصرف‌کنندگان به حفاظت از دسترسی به منابع انرژی است. هدف رسمی باشگاه انرژی ایجاد یک انجمن برای بحث در مورد همکاری‌ها بین دولت‌ها در حوزه انرژی، پیشنهاد پروژه‌های جدید و حل مشکلات در حمل و نقل، تولید و مصرف انرژی است. با وجود این که باشگاه انرژی در حال حاضر الزام‌آور نیست و هنوز نوپا محسوب می‌شود، اما چارچوب ارزشمندی برای همکاری در حوزه انرژی بین دولت‌ها فراهم می‌کند (*Lengacher 2018*).

۵. جایگاه تجاری اعضای سازمان همکاری شانگهای

یکی از ویژگی‌های اصلی منطقه‌گرایی جدید، پیوند اقتصادی و تجاری چند کشور در حال توسعه با یک کشور توسعه‌یافته‌تر در قالب یک سازمان منطقه‌ای محسوب می‌شود. درک این واقعیت در ارتباط با سازمان همکاری شانگهای نیز به واسطه بررسی داده‌های تجاری اعضای آن امکان‌پذیر خواهد شد. بر اساس آمار مرکز تجارت بین الملل (*ITC*)^۱، کل حجم تجارت کالایی کشورهای سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۰، حدود ۶ هزار میلیارد دلار بوده است (۱۷,۳ درصد تجارت کالایی جهان). از این حجم تجارت، میزان ۳/۲ هزار میلیارد دلار (۵۴ درصد) مربوط به صادرات و ۲/۷ هزار میلیارد دلار (۴۶ درصد) مربوط به واردات بوده است.

۵-۱. واردات جهانی

بر اساس داده‌های مرکز تجارت بین‌الملل از اطلاعات تجاری کشورهای سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۰، حجم کل واردات کشورهای این گروه حدود ۲/۷ هزار میلیارد دلار بوده است که نزدیک به ۱۶ درصد از کل واردات جهانی می‌باشد؛ در این میان چین با ۲ هزار میلیارد دلار در مقام اول وارد کنندگان این بلوک قرار دارد و پس از این کشور، هند با ۳۶۸ میلیارد دلار و روسیه با ۲۳۲ میلیارد دلار واردات در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مهم‌ترین گروه‌های کالایی وارداتی در این گروه از کشورها شامل ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها (کد

^۱ International Trade Centre (ITC)

(۸۵) با سهم ۲۲/۸ درصد، سوخت‌ها و روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از آن‌ها (کد ۲۷) با سهم ۱۴ درصد و ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۴) با سهم ۱۰/۴ درصد در کل واردات می‌باشد.

جدول ۱: بزرگ‌ترین واردکنندگان اعضای سازمان همکاری شانگهای در سه گروه کالایی عمده

(میلیارد دلار)

ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۴)		سوخت‌ها و روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از آن‌ها (کد ۲۷)		ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۵)	
چین	۱۹۲	چین	۲۶۷	چین	۵۴۹
هند	۴۳	هند	۱۰۴	هند	۴۳
روسیه	۳۵	پاکستان	۱۰	روسیه	۳۰
کل واردات <i>sco</i>	۲۸۹	کل واردات <i>sco</i>	۳۸۷	کل واردات <i>sco</i>	۶۳۱

منبع: محاسبات محقق بر اساس بانک اطلاعاتی مرکز تجارت بین‌الملل (ITC 2021)

۲-۵. صادرات جهانی

بر اساس داده‌های مرکز تجارت بین‌الملل از اطلاعات تجاری کشورهای سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۰، حجم کل صادرات کشورهای این بلوک تجاری حدود ۳/۲ هزار میلیارد دلار بوده است که نزدیک به ۱۹ درصد از صادرات جهانی می‌باشد؛ در این میان چین با ۲/۶ هزار میلیارد دلار در مقام اول صادرکنندگان این بلوک قرار دارد و پس از این کشور، روسیه با ۳۳۷ میلیارد دلار و هند با ۲۷۵ میلیارد دلار صادرات در رتبه‌های بعدی قرار دارند. مهم‌ترین گروه‌های کالایی صادراتی در این بلوک تجاری شامل ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۵) با سهم ۲۲/۱۴ درصد، ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۴) با سهم ۱۴/۲ درصد و سوخت‌ها و روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از آن‌ها (کد ۲۷) با سهم ۶/۹۹ درصد در کل صادرات می‌باشد.

جدول ۲: بزرگ‌ترین صادرکنندگان سازمان همکاری شانگهای در سه گروه کالایی عمده (میلیارد دلار)

ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۵)		ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۴)		سوخت‌ها و روغن‌های حاصل از آن‌ها (کد ۲۷)	
چین	۷۱۰	چین	۴۴۰	روسیه	۱۸
هند	۱۳	هند	۱۸	چین	۱۸

روسیه	۴	روسیه	۸	هند
کل صادرات SCO	۷۲۸	کل صادرات SCO	۴۶۷	کل صادرات SCO

منبع: محاسبات محقق بر اساس بانک اطلاعاتی مرکز تجارت بین المللی (ITC 2021)

۳-۵. تجارت درون گروهی اعضای سازمان همکاری شانگهای

بر اساس آمار مرکز تجارت بین المللی (ITC)، کل حجم تجارت درون گروهی کشورهای سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۲۰، ۶۷۸ میلیارد دلار بوده است. از این حجم تجارت، میزان ۳۹۹ میلیارد دلار مربوط به واردات و ۲۷۹ میلیارد دلار مربوط به صادرات بوده است. بر اساس این داده‌ها حدود ۱۴/۴ درصد از کل واردات و ۸/۴ درصد از کل صادرات کشورهای سازمان همکاری شانگهای از طریق تجارت درون گروهی تامین می‌شود.

بزرگ‌ترین واردکننده‌ها در تجارت درون گروهی سازمان همکاری شانگهای عبارتند از:

۱. چین با ۲۱۷ میلیارد دلار (۵۴/۳ درصد واردات درون گروهی)؛
۲. هند با ۶۶ میلیارد دلار (۱۶/۵ درصد واردات درون گروهی)؛
۳. روسیه با ۶۵ میلیارد دلار (۱۶/۳ درصد واردات درون گروهی).

در مجموع سه کشور فوق حدود ۸۷ درصد از واردات درون گروهی را به خود اختصاص داده‌اند.

بزرگ‌ترین صادرکننده‌ها در تجارت درون گروهی سازمان همکاری شانگهای نیز عبارتند از:

۱. چین با ۱۵۳ میلیارد دلار (۵۴/۹ درصد صادرات درون گروهی)؛
۲. روسیه با ۷۶ میلیارد دلار (۲۷/۳ درصد صادرات درون گروهی)؛
۳. هند با ۲۲ میلیارد دلار (۸ درصد صادرات درون گروهی).

در مجموع سه کشور فوق حدود ۹۰ درصد از صادرات درون گروهی را به خود اختصاص داده‌اند.

۴-۵. وضعیت تجارت ایران با کشورهای سازمان همکاری شانگهای

طبق داده‌های مرکز تجارت بین المللی، ارزش کل تجارت ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای تجارت (در سال ۲۰۱۸)، حدود ۲۸ میلیارد دلار بوده و ۲۰ درصد از کل تجارت ایران را شامل می‌شود. جایگاه کشورهای SCO در صادرات ایران ۱۳,۶ درصد و در واردات ایران ۳۵/۷ درصد می‌باشد.

جدول ۳: سهم کشورهای سازمان همکاری شانگهای در کل تجارت ایران (۲۰۱۸)

سهم در کل واردات ایران		سهم در کل صادرات ایران		کشورهای عضو
درصد	میلیارد دلار	درصد	میلیارد دلار	سازمان همکاری های شانگهای
۳۵/۷	۱۴/۷	۱۳/۶	۱۳/۱۷	مجموع اعضای سازمان همکاری های شانگهای
۲۴/۸	۱۰/۲	۹/۵	۹/۲	چین
۶/۴	۲/۶	۲/۱	۲	هند
۰/۸	۰/۰۰۰۳	۱/۲	۱/۲	پاکستان
۳/۲	۱/۳	۰/۲	۰/۰۰۰۳	روسیه
۰/۱	۰/۰۰۰۰۵	۰/۱	۰/۰۰۰۱	ازبکستان
۰/۲	۰/۰۰۰۰۹	۰/۱	۰/۰۰۰۱	قزاقستان
۰	۰/۰۰۰۰۳	۰	۰/۰۰۰۰۸	تاجیکستان
۰	۰/۰۰۰۰۱	۰	۰/۰۰۰۰۳	قرقیزستان

منبع: محاسبات محقق بر اساس بانک اطلاعاتی مرکز تجارت بین الملل (ITC 2021)

۱-۴-۵. جایگاه کشورهای سازمان همکاری شانگهای در صادرات ایران

یکی از مهم ترین داده هایی که می تواند میزان درهم تنیدگی ساختار اقتصادی ایران با اعضای سازمان همکاری شانگهای را نمایش دهد، اطلاعات تجاری ایران با کشورهای این سازمان می باشد. بر اساس آمار مرکز تجارت بین الملل در سال ۲۰۱۸، حدود ۱۴ درصد از کالاهای صادراتی ایران (به ارزش ۱۳/۱ میلیارد دلار) اعم از نفتی و غیرنفتی به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای صادر شده است. مهم ترین شرکای صادراتی ایران در میان این کشورها عبارتند از کشور چین با سهم ۶۹ درصدی در کنار هند (۱۵/۵ درصد)، پاکستان (۹/۴ درصد)، روسیه (۲/۱) و ازبکستان (۱ درصد). ملاحظه می شود که تمرکز صادرات ایران در بین کشورهای مذکور بر چین بوده و نفوذ کمتری در دیگر بازارها وجود دارد. مطابق جدول زیر ده گروه کالایی عمده صادراتی، حدود ۸۹ درصد از صادرات ایران به جهان را تشکیل می دهد که ارزش آن بالغ بر ۸۶/۲ میلیارد دلار است. کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای حدود ۱۳/۹ درصد از این صادرات کالایی را به خود اختصاص می دهند.

جدول ۴: نقش و جایگاه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در صادرات ایران به تفکیک گروه‌های کالایی عمده (سال ۲۰۱۸)

گروه کالایی	کل صادرات ایران		صادرات ایران به SCO		واردات SCO از جهان		هم SCO در جذب صادرات ایران (درصد)
	میلیارد دلار	(درصد)	میلیارد دلار	(درصد)	میلیارد دلار	(درصد)	
سخت‌ها و روغن‌های معدنی و محصولات حاصل از آنها (کد ۲۷)*	۶۶	۴/۱	۳۱	۲/۳	۵۴۰/۲	۱/۸	۵/۰۷
مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از آنها (کد ۳۹)	۵	۵/۱	۳/۲	۲/۴	۱۰۴/۴	۳/۳	۷/۳
محصولات شیمیایی آلی (کد ۲۹)	۴	۱/۱	۲/۸	۲/۲	۹۷/۳	۳/۳	۹/۳
چدن، آهن و ...	۳	۹/۱	۰/۲	۱/۰	۴۶/۲	۲/۰	۴/۰

								فولاد (کد ۷۲)
۳	۰	۳	۱	۱۸/۴	۴	۰۰۰	۰/۵	۲
								۷
								۱
								میهه های خوراکی (کد ۰۸)
۹	۴	۱	۵	۱۴۴/۲	۸	۱/۱		۱
								سنه گ فلز، جوش و خاکستر (کد ۲۶)
۱	۱	۲	۰	۵/۸	۱	۰۰۰	۰/۱	۱
								سبز یجات و نباتات ریشه‌ای (کد ۰۷)
۶	۲	۵	۰	۱۰	۴	۰۰۰	۰/۵	۱
								۰
								۰/۰۰۸
								کود ها (کد ۳۱)
۴	۳	۳	۰	۱۲/۱	۳	۰۰۰	۰/۳	۱
								۰
								۰/۰۰۸
								نم ک، گوگرد، خاک و سنگ گچ، آهک و سیمان (کد ۲۵)
۲	۷	۰	۲	۵۳/۹	۱	۰۰۰	۰/۲	۱
								۰
								۰/۰۰۷
								مس و مصنوعات از مس (کد ۷۴)
۱	۱	۳	۷	۱۲	۹	۱۲		۸
								۲
								معجم

وع گروه کالایی فوق	۱۰	۸۶	۹	۱	۱۰۳۲	۲	۴
سایر گروه های کالایی	۱۰	۴	۱	۱/۱	۱۹۶۸	۶	۱
کل کالاها	۹۶	۶	۱	۱۳/۲	۳۰۰۰	۰۰	۴

*۵۰٫۸ میلیارد دلار از این گروه کالایی مربوط به نفت خام و مابقی معادل ۱۵٫۶ میلیارد دلار مربوط به فراورده‌های نفتی است.

منبع: محاسبات محقق بر اساس بانک اطلاعاتی مرکز تجارت بین‌الملل (ITC 2021)

بررسی ترکیب گروه‌های کالایی صادراتی ایران نشان می‌دهد که حدود ۸۹ درصد از کل صادرات ایران به جهان در ۱۰ گروه کالایی عمده انجام می‌شود که بخش عمده صادرات ایران به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای (حدود ۹۱ درصد) نیز در همین گروه‌های کالایی صورت می‌پذیرد. هر چند میزان واردات منطقه در این ده گروه کالایی عمده حدود یک سوم از کل نیازهای وارداتی آن‌ها را شامل می‌شود، اما بازار بزرگ و حدود ۱۰۳۲ میلیارد دلاری این منطقه، فرصت مناسبی برای توسعه صادرات ایران به کشورهای مختلف منطقه و هم چنین گروه‌های مختلف کالایی محسوب می‌شود. بررسی میزان نقش و جایگاه ایران در تامین نیازهای منطقه مذکور در این گروه‌های کالایی حاکی از سهم پایین ایران است.

بر اساس داده‌های فوق، به نظر می‌رسد که ایران با توجه به توان صادراتی خود امکان بهره‌مندی بیشتر از بازار کشورهای مذکور را در گروه کالایی‌های عمده صادراتی داشته باشد. اگر چه بیش از ۹۱ درصد از کل صادرات ایران به منطقه مذکور در ۱۰ گروه کالایی عمده صادراتی فوق است اما از یک طرف حدود ۸۰ درصد آن متمرکز بر چهار گروه کالایی سوخت‌ها و روغن‌های معدنی (کد ۲۷)، مواد پلاستیکی (کد ۳۹)، محصولات شیمیایی (کد ۲۹)، محصولات آهنی و فولادی (کد ۷۲) و سنگ فلز، جوش و خاکستر (کد ۲۶) بوده و از طرف دیگر اغلب متمرکز بر صادرات کشور چین است. حضور پررنگ در سایر بازارهای اعضای شانگهای و صادرات در همه گروه‌های کالایی دارای پتانسیل صادراتی ایران به متنوع‌سازی کالایی و تنوع بازارهای صادراتی ایران کمک خواهد کرد.

۲-۴-۵. جایگاه کشورهای سازمان همکاری شانگهای در واردات ایران

بخش دیگری که می‌تواند میزان وابستگی ساختاری ایران به تجارت با اعضای سازمان همکاری شانگهای را به نمایش بگذارد، آمار واردات ایران از این کشورها می‌باشد. بر اساس آمار مرکز تجارت بین‌الملل در سال ۲۰۱۸، حدود ۳۶ درصد کالاهای وارداتی ایران (به ارزش ۱۴/۷ میلیارد دلار) از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای تامین شده است. مهم‌ترین شرکای وارداتی ایران در میان این کشورها عبارتند از کشور چین با سهم ۲۵ درصدی، در کنار هند (۶ درصد)، روسیه (۳/۲ درصد) و پاکستان (۰/۸ درصد). مطابق جدول پایین حدود ۶۲ درصد از واردات ایران مربوط به ۱۰ گروه کالایی عمده وارداتی مورد اشاره است که ارزش آن بالغ بر ۲۵,۶ میلیارد دلار است. حدود ۷۰ درصد از واردات ایران از کشورهای منطقه نیز اختصاص به این ۱۰ گروه عمده وارداتی ایران دارد.

جدول ۵: نقش و جایگاه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در واردات ایران

به تفکیک گروه‌های کالایی عمده (سال ۲۰۱۸)

س	کل واردات ایران	واردات ایران		صادرات SCO		س	گروه کالایی
		از SCO	به جهان	SCO	هم		
س	م	م	س	س	م	س	
هم	میلیارد دلار	میلیارد دلار	میلیارد دلار	میلیارد دلار	میلیارد دلار	میلیارد دلار	
SCO	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	(درصد)	
در							
تامین							
نیازهای							
وارداتی							
ایران							
(درصد)							
۳	۷	۱	۲	۱	۱	۱	ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آنها (کد ۸۴)
۸	۹	۴	۰	۴	۲	۲	غلات (کد ۱۰)
۵	۳	۱	۱	۱	۱	۱	ماشین‌آ

۰		۰	۶۸۱	۲	۱		۳	لات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۵)
۵	۰	۱	۴۲/۲	۰	۰۰ ۰/۰۷	۴	۶/۱	محصولات دارویی (کد ۳۰)
۴	۱ ۵	۳	۹۶۷	۵	۰۰ ۰/۰۷	۴	۱/۵	وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷)
۱	۲ ۳	۰	۵/۶	۱	۰۰ ۰/۰۲	۴	۱/۵	دانه‌ها و میوه‌های روغنی با مصارف صنعتی و دارویی (کد ۱۲)
۱	۴ ۰	۲	۷۶/۸	۱	۰۰ ۰/۰۲	۳	۱/۴	ماشین-آلات و دستگاه‌های اپتیک و عکاسی (کد ۹۰)
۴	۱ ۱	۲	۸۱/۸	۴	۰۰ ۰/۰۶	۳	۱/۴	مواد شیمیایی آلی (کد ۲۹)
۲	۷ ۰	۳	۹۲/۱	۲	۰۰ ۰/۰۳	۳	۱/۳	مواد پلاستیکی و

								اشیاء ساخته شده از آنها (کد ۳۹)
۳	۱	۳	۸۴/۸	۳	۰۰	۳	۱/۲	چدن، آهن و فولاد (کد ۷۲)
۳	۸	۱			۰/۰۴			
۳	۶	۱	۴	۸	۱۶۲۶	۲	۹	مجموع گروه کالایی فوق
۳	۶	۰	۵	۲	۱۷۳۹	۸	۵	سایر گروه‌های کالایی
۳	۶	۰	۵	۲	۱۷۳۹	۸	۵	سایر گروه‌های کالایی
۳	۶	۰	۱	۰۰	۳۳۶۶	۰۰	۱۴	کل کالاها
۳	۶	۰	۱	۰۰	۳۳۶۶	۰۰	۱۴	کل کالاها

منبع: محاسبات محقق بر اساس بانک اطلاعاتی مرکز تجارت بین‌الملل (ITC 2021)

مطابق جدول فوق، با توجه به سهم هر یک از گروه‌های کالایی در کل واردات ایران از جهان و سهم آن‌ها در واردات ایران از منطقه مورد نظر، نقش کشورهای عضو منطقه در تامین نیازهای وارداتی ایران در گروه‌های کالایی مانند ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی؛ اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۴)، غلات (کد ۱۰)، ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۵)، وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷) و مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از آن‌ها (کد ۳۹) بیشتر از سایر مناطق جهان است. البته بار اصلی این نقش بر عهده کشور چین است و سایر کشورهای عضو منطقه مورد نظر نقش کمتری دارند.

هم چنین جدول فوق نشان می‌دهد که بین ۴۰ تا ۵۰ درصد نیازهای ایران در ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی و اجزا و قطعات آن‌ها (کد ۸۵)، غلات (کد ۱۰)، وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷) و مواد شیمیایی آلی (کد ۲۹) از طریق کشورها منطقه مورد نظر تامین می‌شود.

۶. ارزیابی اثرات اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

در حال حاضر ایران به شکل رسمی به عضویت سازمانی در آمده است که حدود یک سوم از خاک جهان را تشکیل می‌دهد و با احتساب چین، روسیه و هند، سالانه تریلیون‌ها دلار صادر

می‌کند. با تحقق این عضویت، ایران می‌تواند به منطقه آسیای مرکزی به عنوان بازاری برای صادرات کالاهای ایرانی، دسترسی قابل توجهی پیدا کند. به اعتقاد برخی کارشناسان اگر چه تحریم‌های آمریکا در صورت تداوم، می‌تواند سد راه دستیابی به این پتانسیل‌ها باشد، اما پیشرفت اقتصادی ایران را متوقف نخواهد کرد (Motamedi 2021).

با توجه به این که در این سازمان تعهدات امنیتی بیش از تعهدات اقتصادی مورد توجه قرار دارد، تنها نهاد قابل بهره‌برداری از سوی ایران، کنسرسیوم بین بانکی می‌باشد که در حال حاضر در بیش از ۵۹ پروژه بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری داشته است. برای تحقق عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای ۴۳ سند امضا شده است که بیش از ۵۰ درصد آن‌ها در حوزه امنیت قرار دارند. در این میان دو سند در ارتباط با جهت‌گیری‌های اقتصادی می‌باشد؛ یک سند در ارتباط با پروژه‌های حمل و نقل، یک سند در حوزه همکاری بانکی، چهار سند در حوزه همکاری گمرکی و یک سند هم در حوزه همکاری در بخش کشاورزی می‌باشد؛ بر این مبنای تنها حوزه‌ای که بیش از سایر حوزه‌ها برای ایران فرصت ساز خواهد بود، حوزه همکاری‌های بانکی است که با توجه به وعده ۱۰ میلیارد دلاری چین برای کمک مالی به کنسرسیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای، می‌بایست بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (مرادی حقیقی، و غیره ۱۴۰۰).

البته همان‌طور که پیش از این نیز مطرح شد، درک این نکته نیز ضروری است که سازمان همکاری شانگهای در واقع یک سازمان امنیت-سیاست محور است که از زیرساخت‌های نهادی حداقلی برای انتفاع اقتصادی کشورها برخوردار می‌باشد؛ بنابراین اگر چه منافع اقتصادی مستقیم از سازمان همکاری شانگهای حاشیه‌ای و حداقلی خواهد بود، اما کشورهای عضو می‌توانند توافقات دو جانبه را دنبال کنند. به طور کلی، سازمان همکاری شانگهای یک مجمع برای تعامل نزدیکتر با منطقه برای ایران فراهم می‌کند و همین مسئله می‌تواند در قالب اهرمی برای برخورداری‌های سیاسی مورد استفاده قرار گیرد؛ نوع برخورداری از این اهرم، به ابتکارات ایران در این سازمان و کشش‌گری فعالانه در حوزه سیاست‌گذاری‌ها بر می‌گردد. در واقع اگر چه این سازمان از پویایی‌های اقتصادی کافی در ابعاد ساختاری و کارکردی برخوردار نمی‌باشد، اما ایران نیز می‌تواند مشابه ازبکستان در «توسعه کریدورهای حمل و نقل»، «رایزنی وزرای انرژی و صنایع» و «توسعه همکاری‌ها در حوزه کشاورزی هوشمند»، هند در «گارگروه ویژه استارت‌آپ‌ها» و «کنسرسیوم مراکز تحقیقاتی»، چین در «نمایشگاه دائمی کشاورزی» و «ابتکار منطقه تجارت آزاد»، و پاکستان در «کارگروه فقرزدایی»،

ابتکارات اقتصادی و تجاری عملیاتی شده قابل توجهی در این سازمان داشته باشد.

۶-۱. اثرات عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای بر رفاه و حجم تجارت ایران

طی پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای: کاربردی از مدل شبیه سازی جهانی» (مردیها، و غیره ۱۳۹۹)، به منظور شبیه سازی اثرات تجاری پیوستن ایران به همراه هشت کشور عضو اصلی سازمان شانگهای و بقیه کشورهای جهان به عنوان ۱۰ کشور در نظر گرفته شده است. اطلاعات مربوط به جریانهای تجاری دوطرفه میان کشورها در سطح کدهای کالایی شش رقمی و هم چنین آمار مربوط به تعرفه‌های وضع شده از سوی کشورها برای سال ۲۰۱۶ و از مجموعه پایگاه‌های داده‌ای مرکز تجارت بین‌الملل و هم چنین پایگاه داده‌ای *WITS* جمع‌آوری شده است. در این مطالعه اثرات کاهش و حذف تعرفه بر روی ۱۳ کالای عمده صادراتی که به طور متوسط ۷۰ درصد از حجم صادرات ایران به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای را تشکیل می‌دهند مورد بررسی قرار گرفته است؛ این ۱۳ کالا عبارتند از نفت خام و روغن حاصل از مواد معدنی قیری، خام (۲۷۰۹۰۰)، پلی‌اتیلن با وزن مخصوص (چگالی) ۰/۹۴ یا بیشتر (۳۹۰۱۲۰)، پلی‌اتیلن با وزن مخصوص (چگالی) کمتر از ۰/۹۴ (۳۹۰۱۱۰)، پروپان (۲۷۱۱۱۲)، پنتاکلروفنل (۲۹۰۸۱۱)، سنگ آهن فشرده نشده (۲۶۰۱۱۱)، بوتان (۲۷۱۱۱۳)، قیر نفت (۲۷۱۳۲۰)، اوره به صورت محلول در آب و غیر محلول (۳۱۰۲۱۰)، اتیلن گلیکول (۲۹۰۵۳۱)، استیرن (۲۹۰۲۵۰)، پارا - اکسیلن (۲۹۰۲۴۳)، آمونیاک بدون آب (۲۸۱۴۱۰). از آنجا که یکی از اهداف عنوان شده توسط سازمان همکاری شانگهای در زمینه اقتصادی، حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای و ایجاد یک موافقتنامه تجارت آزاد است، با تحقق این هدف، این مطالعه چهار سناریو شامل کاهش ۲۵، ۵۰ و ۷۵ درصدی در قالب آزادسازی ناقص و حذف ۱۰۰ درصدی در قالب آزادسازی کامل نرخ‌های تعرفه را در نظر گرفته است و با استفاده از الگوی شبیه‌سازی جهانی تعادل جزئی به ارزیابی اثرات آزادسازی تجاری در سطوح جزئی (کدهای ۶ رقمی کالا) پرداخته و اثرات ناشی از کاهش و حذف تعرفه‌ها را بر جریانهای تجاری، سطح رفاه، خلق تجارت و انحراف تجارت پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل کرده است که به صورت خلاصه در ادامه آورده شده است.

۶-۱-۱. نتایج آزادسازی کامل تجاری

- به غیر از کد کالایی ۲۷۰۹۰۰ که تعرفه آن برای کشورهایی که ایران به آنها

صادرات دارد صفر می‌باشد، افزایش خالص رفاه در بقیه کدهای کالایی مذکور در پی آزادسازی کامل برای ایران مثبت است که به معنای افزایش درآمد حقیقی کشور می‌باشد.

- با پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای انتظار می‌رود که مجموع درآمد کشور در حدود ۳۷۰ میلیون دلار افزایش یابد.
- چنان چه میزان افزایش رفاه ناشی از حذف نرخ تعرفه هر کالا مورد توجه قرار گیرد، در بین کدهای کالایی، حذف تعرفه کد ۳۱۰۲۱۰ با ایجاد بیش از ۲۱ میلیون دلار تغییرات خالص رفاه، بیشترین افزایش رفاه را حاصل می‌کند؛ به طور متقابل حذف تعرفه کد کالایی ۲۹۰۲۴۳ نیز بیشترین کاهش خالص رفاه را خواهد داشت، به طوری که سبب کاهش رفاه کشور در حدود شش میلیون دلار خواهد شد.
- پس از حذف کامل نرخ تعرفه، بیشترین میزان خلق تجارت ناشی از این آزادسازی مربوط به ایران خواهد بود که ارزش آن بیش از دو میلیارد دلار است. چنان چه خلق تجارت با توجه به کدهای کالایی مورد توجه قرار گیرد، حذف نرخ تعرفه کد کالایی ۳۱۰۲۱۰ با حدود ۶۵۰ میلیون دلار، بیشترین سهم را در خلق تجارت ایران خواهد داشت.

۶-۱-۲. برآیند اثر خلق تجارت و انحراف تجارت برای ایران در حالت آزادسازی ناقص

- با کاهش کاهش ۲۵ درصدی نرخ‌های تعرفه کالاهای منتخب، اقتصاد ایران بیش از ۵۳۰ میلیون دلار منفعت کسب می‌کند.
- با کاهش کاهش ۵۰ درصدی نرخ‌های تعرفه کالاهای منتخب، اقتصاد ایران بیش از یک میلیارد دلار منفعت کسب می‌کند
- با کاهش کاهش ۷۵ درصدی نرخ‌های تعرفه کالاهای منتخب، اقتصاد ایران بیش از یک و نیم میلیارد دلار منفعت کسب می‌کند.

طبق یافته‌های این تحقیق، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای، به واسطه خلق تجارت موجب افزایش بهره‌وری و تخصصی شدن تولیدات منطقه‌ای بر پایه مزیت نسبی و نیز بهبود رفاه عمومی کشورهای عضو، سودمند خواهد بود. در این میان آزادسازی کامل، منافع بیشتری را نصیب کشور خواهد کرد و طبق داده‌ها بیشترین خلق تجارت در میان کشورهای عضو برای ایران بوده

است. در عین حال، با توجه به این که هر چه سطح تجارت و روابط اقتصادی کشورهای عضو یک موافقتنامه تجاری قبل از شکل گیری موافقتنامه بیشتر باشد، احتمال ایجاد تجارت در نتیجه یکپارچگی منطقه‌ای بین آن کشورها بیشتر خواهد بود. بر این اساس ایجاد توافقات منطقه‌ای با این کشورها، آثار انحراف تجارت کمتری را برای ایران در پی خواهد داشت و با توجه به سطح بالای روابط تجاری ایران با برخی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نظیر چین، هند و پاکستان در کنار بالا بودن میزان تعرفه‌های اعمال شده بر کالاهای مورد نظر، طبیعی به نظر می‌رسد که پس از آزادسازی و کاهش و یا حذف نرخ‌های تعرفه میان این کشورها، امکان افزایش صادرات و بهبود رفاه ایران مهیا شود. البته می‌بایست این نکته را مورد توجه قرار داد که برخورداری از چنین مزایایی به دو عامل اصلی بستگی دارد (مردیها، و غیره ۱۳۹۹). از یک سو موانع موجود در مسیر تحقق برنامه‌های اقتصادی و تجاری سازمان همکاری شانگهای مرتفع گردد و از سوی دیگر، با عضویت کامل ایران در این سازمان، تحریم‌ها و موانع سیاسی مانع از برخورداری از امکانات عضویت کامل برای ایران نشود. تنها در صورت این دو گزاره می‌توان به دستاوردهای چنین مراداتی با عنوان تجارت آزاد با کشورهای سازمان همکاری شانگهای امیدوار بود.

۲-۶. اثرات عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای بر تجارت انرژی ایران

اعضای باشگاه انرژی در حال حاضر پیشرفت قابل توجهی در ارتقای همکاری در حوزه انرژی هسته‌ای داشته‌اند؛ به ویژه چین و روسیه که با صادرات راکتورها به سایر کشورها در توسعه برنامه‌های هسته‌ای سایر کشورها نقش ویژه‌ای داشته‌اند. تعداد قراردادهای ساخت و صادرات راکتور از سوی چین و روسیه قابل توجه است. کشورهایی مانند قزاقستان و ازبکستان نیز در تامین اورانیوم نقش مهمی را ایفا می‌کنند. از آنجا که سوخت هسته‌ای از طریق مسیرهای زمینی حمل می‌شود، بازیگران غیردولتی می‌توانند از ضعف‌های امنیت منطقه‌ای برای رهگیری محموله‌ها استفاده کنند. بنابراین، همکاری هسته‌ای پایدار و ایمن به توسعه موازی یک محیط امنیتی موثر بستگی دارد. سازوکارهای مبارزه با تروریسم و مانورهای امنیتی سازمان همکاری شانگهای در حال حاضر در تقویت امنیت منطقه‌ای پیشرفت کرده است و سرمایه‌گذاری اعضای این سازمان در توسعه زیرساخت‌ها را تشدید نموده است.

باشگاه انرژی و اعضای آن نه تنها این پتانسیل را دارند که توسعه سریع‌تر هسته‌ای را تسهیل کنند و خطرات اشاعه غیر صلح‌آمیز را کاهش دهند، بلکه می‌توانند به حل مشکلات هسته‌ای

موجود، مانند مسئله هسته‌ای ایران نیز کمک کنند. برنامه هسته‌ای ایران به دلیل اتهاماتی از سوی غرب با چالش مواجه است و زمینه تحریم کشور را به وجود آورده است؛ این در حالی است که تاسیسات غنی سازی در نطنز و فردو برای یک برنامه انرژی صلح‌آمیز طراحی شده‌اند و می‌توانند در تحقق اهداف تجاری بسیار کمک کننده باشند. براساس برنامه جامع اقدام مشترک در سال ۲۰۱۵، ایران ۱۱ تن اورانیوم با غنای پایین خود را در ازای دریافت ۱۳۶ تن اورانیوم غنی‌نشده از قزاقستان به روسیه منتقل کرد. علاوه بر این ایران حق واردات ۹۵۰ تن اورانیوم اضافی از قزاقستان را به دست آورد تا غنی‌سازی شود و طی سه سال آینده به قزاقستان بفروشد. این نوع رابطه که مبتنی بر واردات - غنی‌سازی - صادرات می‌باشد می‌تواند کاربرد تجاری سودآوری را بر تاسیسات غنی‌سازی ایران داشته باشد. در صورتی که این توافقنامه گسترش یابد تا سایر اعضای باشگاه انرژی با ازبکستان و قرقیزستان به عنوان صادرکننده و چین، هند، پاکستان و ترکیه به عنوان واردکننده اضافه شوند، ایران امکان بیشتری خواهد داشت تا از تاسیسات غنی‌سازی خود در راستای اهداف تجاری برخوردار شود. این نوع همکاری ایران با سازمان همکاری شانگهای می‌تواند یک سناریوی برد-برد برای اقتصاد، محیط زیست و امنیت منطقه باشد. بنابراین باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای به رغم این که هنوز در مراحل اولیه شکل‌گیری خود است، از پتانسیل بالایی در توسعه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای در آسیا برخوردار می‌باشد (Lengacher 2018).

افزون بر فرصت فوق، طبق برآورد مدیر مرکز مطالعات انرژی و امنیت روسیه^۱ با توجه به این که چین و هند به عنوان دو مصرف‌کننده بزرگ انرژی در جهان از اعضای سازمان همکاری شانگهای هستند، ایران در حال حاضر با کسب عضویت کامل، می‌تواند روابط خود را در بخش انرژی با مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی در جهان گسترش دهد. در عین حال با توجه به اهمیت حضور ایران در افزایش ظرفیت انرژی سازمان همکاری شانگهای و دشوار بودن توسعه کریدورهای ترانزیتی شمال به جنوب بدون مشارکت جمهوری اسلامی، ایران نیز می‌تواند در صورت تثبیت جایگاهش، فروش نفت و گاز خود را بدون مزاحمت ناشی از تحریم‌ها چند برابر کند. به اعتقاد برخی کارشناسان ایران می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای به قطب انرژی در منطقه تبدیل شود (IRNA 2021).

۷. شبکه راه‌های ارتباطی و بنادر ایران در تسهیل ارتباطات منطقه‌ای سازمان همکاری

¹ Russian Center for Energy and Security Studies (CENESS)

شانگهای

جمهوری اسلامی ایران برای افزایش و ارتقای جایگاه خود در منطقه و جهان، نیازمند مشارکت در تریبات منطقه‌ای از جمله عضویت در سازمان‌های همکاری منطقه‌ای است؛ یکی از این سازمان‌ها «سازمان همکاری شانگهای» است که از زمان تشکیل این سازمان و پذیرش عضویت ناظر ایران، ارتقای وضعیت حضور کشور در این سازمان به عضویت دائم، پانزده سال به طول انجامید و بالاخره این درخواست در سال جاری (۲۰۲۱) مورد پذیرش قرار گرفت. یکی از مهم‌ترین بخش‌های فرصت‌ساز برای ایران در این سازمان، استفاده از توان لجستیکی کشور می‌باشد؛ بر این اساس کریدورهای بین‌المللی و منطقه‌ای دارای ظرفیت‌های همکاری ایران با سازمان شانگهای عبارتند از کریدور شمال - جنوب، کریدور تراسیکا، کریدور سه گانه آلتید، کمربند جاده ابریشم اقتصادی قرن ۲۱، کریدور شرق - غرب، کریدور چابهار-زاهدان-مشهد (محور شرق) موافقتنامه ترانزیتی و حمل و نقل بین‌المللی ایران - هند - افغانستان (موافقتنامه چابهار)، شبکه بزرگراه‌های آسیایی، موافقتنامه چهارجانبه عشق آباد (ازبکستان - ترکمنستان - ایران - عمان)، و کریدورهای حمل و نقلی سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو شامل *ITI* استانبول - تهران - اسلام آباد و *KTAI* قرقیزستان - تاجیکستان - افغانستان - ایران. در ادامه به برخی فرصت‌ها برای ایران از طریق کریدورها اشاره شده است.

۷-۱. کریدورهای منطقه‌ای عمده پیرامون ایران

کریدورهای منطقه‌ای که پیرامون ایران قرار دارند، از نظر میزان حضور و فعالیت ایران در آن‌ها به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

الف. کریدورهایی که ایران در عضویت داشته و اسما فعال است:

- کریدور شمال-جنوب (*INSTC*) (نیمه فعال و گاهی غیرفعال):

کریدور بین‌المللی حمل و نقل شمال و جنوب یک شبکه چند منظوره‌ای با ظرفیت 7200 کیلومتری از راه‌های دریایی، ریلی و جاده‌ای برای حمل و نقل بین هند، ایران، روسیه، افغانستان، ارمنستان، آذربایجان، آسیای میانه و اروپاست که در سال 2000 بین ایران-هند-روسیه در سنت پترزبورگ به امضاء رسیده است. این مسیر عمدتاً شامل حمل کالا از هند، ایران، آذربایجان و روسیه از طریق کشتی، راه آهن و جاده است. هدف از کریدور افزایش ارتباطات تجاری بین شهرهای بزرگ مانند بمبئی، مسکو، تهران، باکو، بندرعباس، آستاراخان، بندر انزلی و غیره است.

اهداف این کریدور عبارتند از: توسعه مناسبات حمل و نقلی، افزایش دسترسی طرف‌های متعاقد این موافقتنامه به بازارهای جهانی، مساعدت در جهت افزایش حجم حمل و نقل بین المللی، تامین امنیت سفر و ایمنی محمولات و حفظ محیط زیست، هماهنگ‌سازی سیاست‌های حمل و نقل و هم‌چنین پی‌ریزی قوانین و مقررات، تامین شرایط برابر جهت عرضه‌کنندگان انواع خدمات حمل و نقل، برنامه‌ها و سیاست‌ها، کاهش مدت زمان ترانزیت، کاهش هزینه‌های ترانزیت، ساده‌سازی و یکسان نمودن کلیه اسناد و تشریفات.

مهم‌ترین ویژگی‌ها و مزایای کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب عبارت است از: حمل و نقل چند وجهی (دریا، ریل، جاده و غیره)، کوتاهی مسیر و صرفه جویی در زمان حمل، ارزانی حمل و کاهش هزینه‌ها، تقاطع با سایر کریدورها مانند تراسیکا و آلتید، امنیت حمل و نقل در این مسیر.

- کریدور تراسیکا:

۱. مسیر کریدور تراسیکا تا پیش از الحاق جمهوری اسلامی ایران: «چین-جمهوری آسیای مرکزی-دریای خزر-جمهوری‌های قفقاز-دریای سیاه-ترکیه به اروپا»
۲. مسیر آلترناتیو کریدور تراسیکا بعد از الحاق جمهوری اسلامی ایران: «چین-جمهوری آسیای مرکزی-جمهوری اسلامی ایران-ترکیه به اروپا». در مسیر جدید کشورهای چین و آسیای مرکزی برای دسترسی به ترکیه و در نهایت کشورهای اروپایی نیازی به عبور از عرض دریاهای خزر و سیاه را ندارند.

- کریدور چابهار-افغانستان

ب. کریدورهایی که ایران در آن عضو می‌باشد ولی اکنون فعال نیست:

کریدور خلیج فارس-دریای سیاه

کریدور شرق-غرب (اسلام آباد-تهران-استانبول)

ج. کریدور هایی که ایران در آن عضویت نداشته و فعالیت ندارد:

کریدور لاجورد

کریدورهای کارک (CAREC)

کمربند و راه (جاده ابریشم) (OBOR)

کریدور اقتصادی چین پاکستان (CPEC)

۷-۲. محور ترانزیت و حمل و نقل شرق کشور

محور ترانزیت و حمل و نقل شرق کشور شامل مجموعه بندری چابهار و شبکه راه‌های زمینی است که از بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان آغاز و بعد از عبور از شهرهای نیکشهر، ایرانشهر، خاش، زاهدان، نهبندان، سربیشه، بیرجند، قائن، گناباد، تربت حیدریه و مشهد، از یک طرف به سرخس و از طرف دیگر به نقاط مرزی لطف آباد، باجگیران، پرسه سو در استان‌های خراسان رضوی و شمالی منتهی می‌گردد. خروجی‌های این محور به نقاط مشترک مرزی با کشور افغانستان شامل میلک، دوغارون، میل ۷۸ و یزدان است. در حال حاضر افغانستان عضو ناظر شانگهای است. اتصال راه‌های زمینی منطقه شانگهای (آسیای مرکزی) با آب‌های دریای عمان می‌تواند از طریق افغانستان و ایران انجام شود (مرادی حقیقی، و غیره ۱۴۰۰).

۸. موانع موجود در مسیر همگرایی اقتصادی و تجاری در سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در قالب یک سازمان سیاسی-امنیتی ارزیابی نمود که در ابتدای شکل‌گیری، به دلیل فضای حاکم بر روابط بین کشورها در این منطقه و اهمیت گزاره‌های امنیتی به واسطه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بیشتر ساختاری سیاسی داشته است؛ اما در ادامه راه، به واسطه تمایلات اقتصادی غالب برخی اعضا نظیر چین، گزاره‌های اقتصادی نیز در اهداف این سازمان تعریف شد که به نظر می‌رسد به اندازه گزاره‌های امنیتی-سیاسی دستاورد نداشته است. در مسیر فعالیت سازمان همکاری شانگهای می‌توان موارد ذیل را به عنوان موانع شکل‌گیری یک چشم‌انداز اقتصادی و تجاری عمل‌گرایانه در این سازمان مورد توجه قرار داد.

۸-۱ ساختار و وضعیت متفاوت اقتصادی و تجاری اعضای سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای متشکل از هشت کشور است که در توسعه اقتصادی و ویژگی‌های تجارت خارجی تفاوت زیادی دارند. چشم‌انداز اصلی اقتصادی این سازمان در این زمینه هماهنگی دو پروژه بزرگ اقتصادی جاده ابریشم جدید و اتحادیه اقتصادی اوراسیا دیده می‌شود. چین به عنوان آغازگر اصلی توسعه روابط اقتصادی در سازمان همکاری شانگهای، بیشترین علاقه-مندی را در استفاده از سازوکارهای سازمان جهت تحقق منافع اقتصادی خود بروز داده است. منافع روسیه در زمینه توسعه اقتصادی نیز مستلزم تشدید تلاش‌ها برای اجرای پروژه‌های مشترک اقتصادی با کشورهای سازمان همکاری شانگهای است که با توجه به گسترش عضویت جدید در این سازمان اهمیت ویژه‌ای دارد. لازم به ذکر است که سازمان همکاری شانگهای متشکل از

دولت-ملت‌هایی با رشد اقتصادی و آمار تجاری بسیار متفاوت می‌باشد؛ این نکته را می‌توان در دو جدول بعد که مربوط به داده‌های تجاری کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای می‌باشد مشاهده نمود.

جدول ۶: شاخص‌های تجاری در واردات کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۲۰

واردکنندگان	ارزش واردات در سال ۲۰۲۰ (میلیارد دلار)	رشد سالانه واردات طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۰ (درصد)	سهم واردات جهانی اعمال شده (درصد)	در میانگین تعرفه
جهان	۱۸۵۸۹٫۲	۳	۱۰۰	-
مجموع اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای	۲۷۶۵٫۹	-	۱۴٫۹	-
چین	۲۰۵۵٫۶	۷	۱۱٫۱	۸٫۷
هند	۳۶۸	۱	۲	۱۴٫۱
روسیه	۲۳۱٫۷	۶	۱٫۲	۴٫۲
پاکستان	۴۵۸	-۲	۰٫۲	۱۵٫۵
فزاقتان	۳۸۰٫۱	۱۲	۰٫۲	۳٫۶
ازبکستان	۱۹۰٫۹	۱۹	۰٫۱	۱۲٫۴
قرقیزستان	۳۰٫۷	۰	۰	۴٫۶
تاجیکستان	۳۰٫۱	۳	۰	۵٫۵

جدول ۷: شاخص‌های تجاری در صادرات کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای در سال ۲۰۲۰

صادرکنندگان	ارزش صادرات در سال ۲۰۲۰ (میلیارد دلار)	رشد صادرات طی سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۲۰ (درصد)	سهم صادرات جهانی (درصد)	در موازنه تجاری
جهان	۱۸۴۰۱٫۳	۳	۱۰۰	-۱۸۷٫۹
مجموع اعضای سازمان همکاری‌های شانگهای	۳۲۸۸٫۸	-	۱۷٫۹	۵۲۲٫۹
چین	۲۵۹۰٫۶	۵	۱۴٫۱	۵۳۵
روسیه	۳۳۷٫۱	۵	۱٫۸	۱۰۵٫۴
هند	۲۷۵٫۵	۲	۱٫۵	-۹۲٫۵

۸،۹	۰،۳	۷	۴۶،۹	قزاقستان
-۲۳،۵	۰،۱	۲	۲۲،۲	پاکستان
-۶،۸	۰،۱	۱۱	۱۳،۱	ازبکستان
-۱،۷	۰	۶	۱،۹۶۴،۴۶۶	قرقیزستان
-۱،۸	۰	۹	۱،۳۱۱،۸۷۹	تاجیکستان

منبع: محاسبات محقق بر اساس بانک اطلاعاتی مرکز تجارت بین الملل (ITC 2021)

طبق داده‌های تجاری فوق سهم کشورهای نظیر چین، هند و روسیه در صادرات و واردات جهانی با سایر اعضای سازمان همکاری شانگهای از تفاوت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است؛ در این میان نقش و جایگاه چین در جهان، هم در صادرات (۱/۴ درصد) و هم در واردات (۱/۱ درصد) از سایر کشورهای اثرگذار بالاتر می‌باشد. هر چند که در حوزه رشد سالانه صادرات می‌توان دستاورد سایر اعضا را نیز قابل قبول ارزیابی نمود، اما هم چنان در بسیاری از این کشورها شاهد موازنه تجاری منفی هستیم. بر این اساس می‌بایست در تحلیل وضعیت اقتصادی این سازمان، آمار تجاری متفاوت و شکاف قابل توجه میان اعضای سازمان همکاری شانگهای در ابعاد اقتصادی و تجاری را با تامل بیشتری مد نظر قرار داد.

۲-۸. فراهم نبودن زمینه همکاری نهادی میان اعضای سازمان همکاری شانگهای

همکاری در کشورهای سازمان همکاری شانگهای، به ویژه بین جمهوری‌های آسیای مرکزی، در مجموع پایه نهادی به نسبت ضعیفی دارد و در مرحله شکل‌گیری است. کشورها اهداف و علایق متفاوتی دارند، اما نزدیکی جغرافیایی باعث می‌شود تا روی کارهای مشترک تمرکز کنند. سرعت و مقیاس همکاری اقتصادی و سیاسی در این منطقه، به تمایل کشورها برای همکاری در پروژه‌های قراردادی منطقه‌ای، انجام اصلاحات مناسب برای معرفی اشکال و روش‌های مقررات اقتصادی اتخاذ شده و هم چنین اراده سیاسی دولت‌ها بستگی دارد. تجزیه و تحلیل دقیق تاریخچه سازمان همکاری شانگهای نشان می‌دهد که اگر چه این سازمان برای چین و روسیه مهم است، اما دو عضو بزرگ موسس در مورد هدف و دامنه دقیق سازمان با هم تفاوت دارند (Cooley 2018).

۳-۸. اختلاف نظر میان چین و روسیه در سطوح پیگیری اهداف اقتصادی در سازمان

همکاری شانگهای

چین با توجه اهدافش در این منطقه، بر این باور است که اولویت‌های سازمان همکاری شانگهای در زمینه فعالیت‌های ضد تروریستی و اقتصادی باید به طور مساوی توزیع شود و به

مرور زمان مولفه اقتصادی جایگاه غالب در فعالیت‌های این سازمان را به خود اختصاص دهد. اما روسیه علاقه‌مند به حفظ فعالیت سستی سازمان همکاری شانگهای در زمینه مبارزه با «سه شر» یعنی تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی طلبی است. روسیه تمایل دارد که این اهداف را بدون ترس غیرمنطقی از هژمونی اقتصادی چین در آسیای مرکزی پیگیری کند و بر همین اساس پیشنهادات پکن برای تشدید همکاری اقتصادی در سازمان همکاری شانگهای را مهار می‌کند. البته تناقض موضع روسیه این است که هدف از ایجاد سازمان همکاری شانگهای، همانطور که در منشور آمده است، «ایجاد شرایط مساعد برای تجارت و سرمایه‌گذاری به منظور تحقق تدریجی حرکت آزاد کالا، سرمایه، خدمات و فناوری» نیز می‌باشد که در اصل به معنای توسعه همکاری‌های چند جانبه در سازمان است.

۸-۴ پیگیری پروژه‌های اقتصادی دو جانبه از سوی اعضای سازمان همکاری شانگهای

پروژه‌های اقتصادی چند جانبه اجرا شده در چارچوب سازمان همکاری شانگهای هم چنان کافی نیست. این پروژه‌ها، داده‌هایی را در مورد همکاری‌های دو جانبه ارائه می‌دهد که خارج از چارچوب سازمان همکاری شانگهای اجرا می‌شود (علیرغم این واقعیت که سازمان همکاری شانگهای در فعال‌سازی آن مشارکت دارد). بدیهی است که پیوستن اقتصادهای بزرگی مانند هند و پاکستان به سازمان همکاری شانگهای می‌تواند توسعه همکاری‌های اقتصادی را تحریک کند و انگیزه کافی برای اجرای تعدادی از پروژه‌های مهم چند جانبه را مهیا نماید. نمونه‌ای از همکاری‌های چند جانبه در چارچوب این سازمان می‌تواند ساخت بزرگراه اطلاعاتی پرسرعت سازمان همکاری شانگهای باشد که در ایجاد آن شرکت‌هایی از پنج کشور سازمان، یعنی روسیه، قزاقستان، ازبکستان، چین و قرقیزستان مشارکت داشتند.

۸-۵ عدم وجود زیرساخت‌های مالی مورد نیاز در ساماندهی همکاری‌های مالی

اعضای سازمان همکاری شانگهای

یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در حوزه ساختارهای مالی مورد توجه قرار داد. جلسات سالانه روسای ادارات ذی‌ربط و کارگروه‌های متعدد در سازمان هنوز منجر به ایجاد ساختارهای نظام ساز برای بانک توسعه شانگهای و حساب ویژه لازم برای تحقق پروژه‌های آن نشده است. در ابتدا ایده ایجاد بانک سازمان همکاری

شانگهای^۱ با این هدف که منابع مالی سازمان همکاری شانگهای را بهینه کند، همکاری مالی داخلی سازمان را تقویت کند و فعالیت های توسعه را تقویت کند متعلق به چین بود. به اعتقاد چین این بانک جدید سازمان همکاری شانگهای، بانک سرمایه‌گذاری زیرساختی آسیا و بانک توسعه جدید بریکس مکمل یکدیگر هستند. طرف چینی پیشنهاد تشکیل سرمایه مجاز این بانک را مبتنی بر کمک‌های متناسب کشورهای عضو داد. اندازه مشارکت در سرمایه اصلی بانک را اندازه اقتصاد کشور (با تولید ناخالص داخلی اسمی یا با در نظر گرفتن برابری قدرت خرید) تعیین می‌کرد. روسیه به دلیل ترس از تقویت بیشتر سلطه چین در حوزه مالی و سرمایه‌گذاری سازمان، پیشنهاد می‌کند که ساختار مالی جدیدی ایجاد نشود، بلکه از ابزارهای موجود تا حد امکان به شکل کارآمدی استفاده گردد. به اعتقاد برخی پژوهش‌گران، از آن‌جا که هیچ یک از اعضای سازمان همکاری شانگهای نمی‌تواند با توانایی‌های مالی چین مقایسه شود، پکن آماده است به کشورهای سازمان همکاری شانگهای وام دهد و به تدریج اعتبار پول ملی خود را در سازمان افزایش دهد. بر این مبنا روسیه علاقه‌ای به توسعه همه جانبه همکاری‌های اقتصادی در چارچوب سازمان همکاری شانگهای ندارد. چرا که نگران از دست رفتن حوزه نفوذ خود در آسیای مرکزی می‌باشد. روسیه در رابطه با همکاری اقتصادی در سازمان همکاری شانگهای دارای موضع دوگانه است. از یک سو مسکو در تمامی اعلامیه‌های رسمی خود از توسعه اقتصادی چند جانبه و تصویب طرح‌ها، اسناد و اعلامیه‌های مختلف حمایت می‌کند و از سوی دیگر، وقتی نوبت به اجرای آن‌ها می‌رسد، منفعلانه رفتار می‌کند و مانع از توسعه همکاری‌های چند جانبه و هم‌چنین مکانیسم‌هایی می‌شود که چین فعالانه برای تامین مالی ارائه می‌دهد. این گزاره با مثال بانک سازمان همکاری شانگهای قابل توضیح خواهد بود که به واسطه نگرانی از سلطه پکن هرگز ایجاد نشد. روسیه و سایر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نیز نگرانی‌هایی در مورد منطقه آزاد تجاری داشتند که چین فعالانه از آن حمایت می‌کرد. روسیه در تلاش است تا از وضعیتی جلوگیری کند که چین با پتانسیل عظیم اقتصادی خود شروع به دیکته کردن شرایط خود در این منطقه کند. روسیه بیشتر علاقه‌مند به توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای آسیای مرکزی در چارچوب اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. با این وجود، با الحاق هند و پاکستان، شرایطی به وجود می‌آید که لازم است بستری برای مشارکت فعال‌تر این کشورها در فعالیت‌های سازمان و متعاقب آن

^۱ SCO Bank

گسترش نفوذ اقتصادی چین بر فضای سازمان همکاری شانگهای ایجاد شود (Gobareva, Gorodetskaya and Medvedev 2019).

نتیجه گیری

سازمان همکاری شانگهای در واکنش به فضای سیاسی و امنیتی حاکم بر دهه ۹۰ میلادی و در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد و طی دو دهه گذشته به دنبال توسعه همکاری‌ها میان اعضای خود بوده است. گره خوردن کارکردهای امنیتی و اقتصادی در این سازمان نشان از تکمیل ارکان این نهاد منطقه‌ای در قالب منطقه‌گرایی جدید دارد. همکاری‌ها ذیل سازمان همکاری شانگهای طیفی از اقدامات سیاسی- امنیتی تا اقتصادی را در می‌گیرند. آنچه در این مقاله به شکل ویژه مورد توجه قرار گرفته است، نهادها و فرآیندهای اقتصادی موجود در این سازمان می‌باشد تا با توجه به عضویت ایران، فرصت‌هایی را برای کشور شناسایی نماید؛ شناسایی و برخورداری از این فرصت‌ها نیازمند درک درستی از نهادهای اقتصادی موجود و قابلیت‌های آن‌ها برای ایران می‌باشد؛ چنین رویکردی موجب می‌شود تا درک این فرصت‌ها مطابق با واقعیات و بر اساس توان ساختاری این سازمان شکل بگیرد. با توجه به آمارهای تجاری ذکر شده، شکاف عملکردی قابل توجهی میان اعضای سازمان همکاری شانگهای وجود دارد و قدرت اقتصادی و تجاری قابل توجه چین نسبت به سایر اعضا می‌بایست در کنش‌گری‌های ایران مورد توجه قرار گیرد. با توجه به غلبه گزاره‌های امنیتی در اهداف و راهبردهای سازمان همکاری شانگهای، شکل‌گیری چشم‌اندازی واقع‌گرایانه نسبت ظرفیت‌های اقتصادی- تجاری این سازمان ضروری است و می‌بایست توجه ویژه‌ای به اهمیت دو حوزه ترانزیتی و مالی در برخورداری از ظرفیت اقتصادی حداقلی سازمان همکاری شانگهای برای عینیت بخشی به سیاست نگاه به شرق برای ایران صورت گیرد. در عین حال درک صحیح ظرفیت موافقتنامه‌های دو جانبه در بستر سازمان همکاری شانگهای در راستای پیشینه کردن منافع اقتصادی و تجاری کشور با ورود به این نهاد بین‌المللی نیز می‌تواند در مسیر ایجاد انسجام میان خصوصیات ملی و منطقه‌ای در نظام بین‌المللی در کنار حل مشکلات به صورت دسته‌جمعی به عنوان یکی از مهم‌ترین گزاره‌های منطقه‌گرایی نوین راه‌گشا باشد.

در نهایت می‌بایست این نکته را مورد توجه قرار داد که اگر چه سازمان همکاری شانگهای در هر دو بعد امنیتی و اقتصادی به دنبال ارتقای توان کارکردی خود می‌باشد، اما همان‌طور که

پیش از این نیز به آن اشاره شد، مشکلاتی نظیر رقابت استراتژیک روسیه با چین در مسیر غلبه گزاره‌های اقتصادی بر امنیتی، موانع گسترده‌ای را ایجاد کرده است. بر این مبنای این سازمان پیش از آن‌که یک سازمان اقتصاد محور باشد، غلبه گزاره‌های امنیتی را نمایش می‌دهد و درک بهتر این موضوع امکان برخورداری از امکانات و فضای اقتصادی حداقلی این نهاد منطقه‌ای را برای ایران بیش از پیش مهیا خواهد کرد.

منابع

- الوند، مرضیه السادات و عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۳). کار ویژه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی چین، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۳(۱).
- امیدی، علی و مرادی‌فر، سعیده (۱۴۰۰). روایت راهبردی دیپلماسی دیجیتال آمریکا علیه چین در پاندمی کرونا، سیاست، ۵۱(۲).
- جعفری، علی اکبر و جانباز، دیان (۱۳۹۴). قدرت نرم و جایگاه چین در نظام جهانی، سیاست جهانی، ۴(۴).
- حسینی، محمد جواد (۱۳۹۷). مولفه‌های قدرت نرم چین در آفریقا، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۲).
- دانش نیا، فرهاد (۱۳۹۲). قبض و بسط مفهوم قدرت در سامان فکری جوزف نای، جستارهای سیاسی معاصر، ۴(۳).
- رفیع، حسین و قربی، سید محمد جواد (۱۳۹۰). بازخوانی قدرت نرم؛ مطالعه موردی عملیات روانی، مطالعات سیاسی، ۳(۱۲).
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۸). کاربست قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری خلق چین، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۶۸۷۴، بهمن ماه.
- عالیشاهی، عبدالرضا، مسعودنیا، حسین و فروزان، یونس (۱۳۹۹). تجزیه و تحلیل بحران کرونا در ایالات متحده با تأکید بر شخصیت نارسیستی دونالد ترامپ، ریشه‌ها و پیامدها، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۹(۳۳).
- عباسی خوشکار، امیر (۱۳۹۹). گسترش جهانی ویروس کرونا و مدیریت قدرت نرم؛ بررسی موردی مدیریت چینی قدرت نرم، مطالعات قدرت نرم، ۹(۲).
- عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۳). قدرت نرم چین در منطقه آسیای مرکزی: رویکردها، ابزارها و اهداف، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۸.
- نریمانی، گلنار، اخوان کاظمی، مسعود و صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۷). تحلیلی بر راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین، مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۱(۴۳).
- Albert, Eleanor (2020), "How a Pandemic Drew China and Serbia Closer", the Diplomat, Mar 27, available at: <https://thediplomat.com/2020/03/how-a-pandemic-drew-china-and-serbia-closer/>

- Bourne P. (1978). "A Partnership for International Health Care", Public Health Reports, 39(2).
- Fidler, David P. (2001), "The globalization of public health: the first 100 years of international health diplomacy", Bulletin of the World Health Organization, 79, (9).
- France 24 (2021), "Taiwan accuses Beijing of luring Paraguay with 'vaccine diplomacy'", Apr 7, available at: <https://www.france24.com/en/live-news/20210407-taiwan-accuses-beijing-of-luring-paraguay-with-vaccine-diplomacy>
- Fulton, Jonathan (2020), "China's soft power during the coronavirus is winning over the Gulf states", Apr 16, Atlantic Council, available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/chinas-soft-power-during-the-coronavirus-is-winning-over-the-gulf-states/>
- Gauttam, Priya, Singh, Bawa and Jaspal Kaur (2020), "COVID-19 and Chinese Global Health Diplomacy: Geopolitical Opportunity for China's Hegemony?", Millennial Asia, 11(3), DOI:10.1177/0976399620959771
- Glenn, John (2020), "COVID-19 Brief: Impact on China's Global Influence", U.S.Global leadership Coalition, Dec 9, <https://www.usglc.org/coronavirus/china/>
- Hanes, Nicolae and Adriana Andrei (2015), "Culture As Soft Power In International Relations", International Conference Knowledge-Based Organization, XXI(1), available at: https://www.researchgate.net/publication/284812827_Culture_As_Soft_Power_In_International_Relations
- Hunter, Anita and et al. (2013). "Global Health Diplomacy: An Integrative Review of the Literature and Implications for Nursing," Nursing Outlook, 61(2).
- Hillman, Jennifer A and Alex Tippett (2021), "A Robust U.S. Response to China's Health Diplomacy Will Reap Domestic and Global Benefits", think Global health <https://www.thinkglobalhealth.org/article/robust-us-response-chinas-health-diplomacy-will-reap-domestic-and-global-benefits>
- Huang Yanzhong (2021), "The Health Silk Road: How China Adapts the Belt and Road Initiative to the COVID-19 Pandemic", American Public Health Association (APHA), Nov.25, available at: <https://ajph.aphapublications.org/doi/10.2105/AJPH.2021.306647>.
- Kickbusch, Ilona and et.al. (2021). A Guide to Global Health Diplomacy, Geneva: Global Health Centre, Available at: <https://www.graduateinstitute.ch/sites/internet/files/2021-02/GHC-Guide.pdf>

- Kobierecka, Anna, Michał Marcin Kobierecki(2021), "Coronavirus diplomacy: Chinese medical assistance and its diplomatic implications", *International Politics*, 58(6), <https://doi.org/10.1057/s41311-020-00273-1>
- Lee, Seow Ting (2021), "Vaccine diplomacy: nation branding and China's COVID-19 soft power play", *Place Branding and Public Diplomacy*, July 6, <https://doi.org/10.1057/s41254-021-00224-4>
- LEE, K., Smith R. (2011), "Global health diplomacy: A conceptual review," *Global Health Governance*, 5(1).
- Leigh, Michael (2021), "Vaccine diplomacy: soft power lessons from China and Russia?", *Bruegel*, Apr 27, available at: <https://www.bruegel.org/blog-post/vaccine-diplomacy-soft-power-lessons-china-and-russia>
- Liu Liangtao, Huang, Yongli and Jiyong Jin (2022), "China's Vaccine Diplomacy and Its Implications for Global Health Governance", *Healthcare*, 10, 1276, <https://doi.org/10.3390/healthcare10071276>
- Mulakala, Anthea (2020), "Covid-19 and China's Soft-Power Ambitions", *Asia Foundation*, April 29, available at: <https://asiafoundation.org/2020/04/29/covid-19-and-chinas-soft-power-ambitions>
- Myers, Margaret (2021), "China's COVID-19 Diplomacy in Latin America and the Caribbean: Motivations and Methods", *FIU Digital Commons*, available at: https://digitalcommons.fiu.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1039&context=jgi_research
- Nari, Pyo (2020), "China's "Health Diplomacy" in Times of COVID-19: From Mask to Vaccine", *IFANS FOCUS*, Institute Of Foreign Affairs and National Security, December.
- Nye, Joseph S. (1990), "Soft Power", *Foreign Policy*, 80(1), doi: 10.2307/1148580
- Nye, Joseph S. (2008), "Public Diplomacy and Soft Power", *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, Vol.616, No.1, doi: 10.1177/0002716207311699
- Onnis, Barbara (2021), "China's global image" *Global Governance Programme*, EU-Asia project, No. 2021/57, November, available at: <https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle/1814/73132/QM-AX-21-057-EN-N.pdf?sequence=1>
- Pandit, Priyanka (2020), "COVID-19 and Global Health Diplomacy: A Strategic Opportunity for China", *Indian Council of World Affairs*, Apr 24, available at: https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=4737&lid=3547

- Pew Research Center (2020), “Unfavorable Views of China Reach Historic Highs in Many Countries”, Oct 6, available at: <https://www.pewresearch.org/global/2020/10/06/unfavorable-views-of-china-reach-historic-highs-in-many-countries/>
- Reuters (2021), “Vaccine nationalism puts world on brink of 'catastrophic moral failure'- WHO chief”, Jan 18, available at: <https://www.reuters.com/business/healthcare-pharmaceuticals/vaccine-nationalism-puts-world-brink-catastrophic-moral-failure-who-chief-2021-01-18>
- The Business Times (2021), “China capitalising on Covid-19 pandemic to expand soft power in the region: report”, May 14, available at: <https://www.businesstimes.com.sg/asean-business/china-capitalising-on-covid-19-pandemic-to-expand-soft-power-in-the-region-report>
- The Economist (2019), “China’s \$10bn annual spending on soft power has bought little of it”, May 24, available at: <https://www.economist.com/graphic-detail/2019/05/24/chinas-10bn-annual-spending-on-soft-power-has-bought-little-of-it>
- Vannarith, Chheang (2021), “Fighting COVID-19: China's soft power opportunities in mainland Southeast Asia”, Asialink, the University of Melbourne, My 27, <https://asialink.unimelb.edu.au/insights/fighting-covid-19-chinas-soft-power-opportunities-in-mainland-southeast-asia>